ادامه از صفحه اول

دیپلماسی مبتکرانه ضرورت روز

از طرف دیگر، مقامات رژیم صهیونیستی اخیرا به این نتیجه رسیدند که توجه جهانی نسبت به تحولات خاورمیانه بیشتر حول محور بهار عربی و تلاش فلسطینی‌ها برای عضویت در سازمان ملل بوده. بنابراین ضروری بود که موضوع «خطر ایران» دوباره در سرخط خبرها قرار گیرد و بهترین روش برای بازگرداندن توجه بین‌المللی به موضوع ایران امکان حمله نظامی به آن کشور است. البته روشن است که در این مسیر طرح ترور سفیر عربستان در آمریکا توسط عوامل نیروی قدس سپاه پاسداران نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بر اساس روزنامه هاآرتص اخیرا سفرای اسراییل دستورالعملی دریافت کردند مبنی بر اینکه در ملاقات با مقامات کشورهای دیگر با اشاره به طرح ترور سفیر عربستان در آمریکا تاکید کنند که این واقعه نشان می‌دهد که ضروری است ایران منزوی شود. جالب است که صهیونیست‌ها برای جامعه جهانی تعیین تکلیف هم می‌کنند. هفته گذشته وزیر خارجه اسراییل ضمن اعلام اینکه ایران بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین تهدید علیه نظم جهانی است گفت، جامعه بین‌المللی باید توانایی خود را برای اجرای تحریم‌های سخت علیه بانک مرکزی ایران و همچنین توقف خرید نفت ایران به اثبات برساند.

در این خصوص چند روز قبل کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا به تحریم‌های جدید علیه ایران از جمله تحریم بانک مرکزی ایران رأی داد. ظاهرا مجلس سنا نیز روی تحریم‌های مشابه کار می‌کند و گفته می‌شود که تا پایان سال‌جاری میلادی مصوبات هر دو مجلس تلفیق شده و به صورت قانون واحد در خواهد آمد.

در این وضعیت ما چه باید بکنیم؟ دیپلماسی دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر انفعالی بوده و از قوت لازم برخوردار نیست. صرف تکذیب اتهامات مختلف به کشورمان و احضار سفیر سوییس در تهران و اعتراض به آمریکا در عین اینکه لازم است به هیچ‌وجه با عملیات روانی پیچیده و هماهنگ آمریکا و اذنابش قابل مقایسه نیست. در شرایط فعلی ضروری است اقدامات ذیل مد نظر قرار گیرد:

۱- در ارتباط با موضوع هسته‌ای ضمن اینکه آمادگی خود را برای مذاکره با ۱+۵ اعلام می‌کنیم باید بدون فوت وقت طرح روسیه را که نواقصی نیز دارد به پیش ببریم و طی مذاکرات فشرده با روس‌ها آن را به عنوان طرح مشترک ایران-روسیه نهایی کنیم. وضعیت پرونده هسته‌ای ایران به مرحله‌ای رسیده است که اگر ابتکار عمل نداشته باشیم یا در تبلیغات از طرف مقابل عقب می‌مانیم یا حربه به جنگ‌طلبان می‌دهیم.

۲- داشتن ابتکار عمل در تمامی موضوعات سیاست خارجی ضروری است. در قضیه اتهام ترور سفیر عربستان در آمریکا به ایران نیز در ابتدا منفعلانه برخورد کردیم و تنها بعد از سخنان مقام معظم رهبری مقامات کشورمان به تکاپو افتادند تا از لاک دفاعی بیرون بیایند. حتی در این موضوع نباید به کار تبلیغی اکتفا کرد و باید از طریق دیپلماسی مبتکرانه منطقه‌ای و بین‌المللی طراحی سخیف اخیر آمریکا را خنثی کرد. در این زمینه کار جدی با عربستان سعودی چه در قالب دو جانبه یا در قالب‌های دیگر ضروری است. ایران و عربستان همسایه بوده و خواهند بود و منافع مشروعی در منطقه دارند که باید توسط هر دو مورد احترام قرار گیرد. اگر دو کشور خود به حل مشکلات نپردازند دیگران برای آنها تعیین تکلیف خواهند کرد.

۳- این برای اولین بار است که انگلیس به طور صریح صحبت از مداخله مستقیم نظامی علیه ایران می‌کند. ضروری است به مقامات آن کشور در تهران و لندن تفهیم شود که تکلیف خود را روشن کنند. اگر می‌خواهند در محور تخاصم نظامی با ایران قرار داشته باشند نمی‌توانند به رابطه معمول سیاسی و اقتصادی با کشورمان ادامه دهند. اگر با این حرکت انگلیس برخورد نشود، بعید نیست که برخی از کشورهای غربی دیگر نیز به این روند بپیوندند.

۴- نیازی به تاکید نیست که داشتن آمادگی نظامی برای مقابله با عملیات حتی ایذایی دشمن ضروری است. در عین اینکه نباید از سرو صداها و تبلیغات آمریکا و شرکا به وحشت بیفتیم، نباید توطئه آنها را دست‌کم بگیریم. جنگ‌طلبان مایلند حتی با وارد آمدن خسارات جانی و مالی فراوان به آمریکا در منطقه آشوب بر پا کنند. البته آمریکا و رژیم صهیونیستی بر این امر واقفند که اقدام نظامی علیه ایران بازی با آتش است. هفته گذشته وزیر کشور رژیم صهیونیستی در این زمینه گفت که درگیری نظامی احتمالی با ایران خواب را در شب از من گرفته است. تصور کنید ما از شمال، جنوب و مرکز مورد حمله قرار بگیریم. آنها ۱۰۰هزار موشک با برد کوتاه و دوربرد در اختیار دارند.

۵- در شرایط فعلی سیاست تنش زدایی به ویژه با همسایگان می‌باید در اولویت سیاست خارجی کشورمان باشد. ضروری است روابط با ترکیه به عنوان کشور همسایه و تاثیرگذار در تحولات منطقه به حالت عادی برگردد. همچنین لازم است گفت‌وگوهای منطقه‌ای با حضور ایران، عراق و تمام کشورهای خلیج‌فارس آغاز شده و این کشورها راه‌های برقراری امنیت و ثبات در منطقه را مورد بررسی قرار دهند.

عکس: رویترز

نقشه راه احزاب سیاسی مصر

مترجم: محمد علی عسگری

بیش از ۵۰ حزب سیاسی قدیمی و جدید مصر خود را برای نخستین آزمون جدی پس از انقلاب ۲۵ ژانویه و مشارکت در انتخابات پارلمانی آینده که از ابتدای ماه بعد شروع می‌شود آماده می‌کنند. این انتخابات نشان خواهد داد که کدام‌یک از آنها با مردم ارتباط بیشتری داشته و برای نمایندگی در پارلمان به آنها اعتماد شده است. در کل می‌توان گفت مرحله انتقالی کنونی در مصر گرچه نه به اندازه‌ای که از یک تحول دموکراتیک انتظار داریم بلکه در حد نسبی عناصری تشویق‌کننده را برای شکل‌گیری یک کثرت‌گرایی حزبی فراهم آورده است. اما باید پرسید که تاثیر این تحولات بر نقشه راه احزاب مصر و توان رقابت و حضور فعال آنها در عرصه سیاسی آینده این کشور چگونه خواهد بود؟

قطعا هیچ جریان سیاسی قادر به کسب یک اکثریت قاطع در انتخابات آینده و تشکیل دولت به صورت انحصاری نخواهد بود. زیرا مصر به احتمال زیاد تا پنج سال آینده در حال گذار از یک مرحله انتقالی خواهد بود و این انتخابات میزان تاثیرگذاری نیروهای سیاسی در واقعیت‌های مصر و نیز مهارت نسل‌های جوان در اقدام سیاسی را روشن خواهد کرد؛ عاملی که تقریبا در آینده حیات سیاسی این کشور تعیین‌کننده خواهد بود. طبعا هر حزب یا جریانی که بتواند خود را به افکار عمومی جامعه نزدیک‌تر کند و مطابق با ماهیت و شخصیت مصری‌ها و خواسته‌های‌شان عمل کند بیشترین تاثیر و تداوم را خواهد داشت. مصری‌ها شخصیتی میانه‌رو دارند و به همان میزان که از بی‌دینی نفرت دارند از تعصب دینی نیز بیزارند. این شخصیت را جمال عبدالناصر نیز در دوره‌ای با سرکوب گروه اخوان‌المسلمین نشان داد. نزاعی سیاسی در آن زمان شکل گرفته بود و همین امر موجب شد تا ناصر برای مقابله با نفوذ اسلام‌گرایان رادیو قرآن تاسیس کند و قاریانی چون الحصری و عبدالباسط و دیگران در همین دوران بود که مطرح شدند. این مساله در رفتارهای طبقه متوسط شهری نیز بازتاب داشت و موجب شد تا خوانندگانی مانند عبدالحلیم حافظ و ام‌کلثوم ظهور کرده و به ستاره‌های محبوب مردم تبدیل شوند. در بین این دو گرایش متناقض، عبدالناصر عوامل متعددی را گرد آورد تا متناسب با شخصیت و هویت مصری‌ها باشد و از همین رو به رغم اشتباهات و قدرت‌طلبی سیاسی‌اش محبوبیت زیادی در بین مردم پیدا کرد.

احزاب و جریان‌های سیاسی

احزاب و جریان‌های سیاسی کنونی مصر را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- جریان ملی و اصلاح‌طلب مصر که یکی از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین احزاب در حیات سیاسی این کشور به حساب می‌آید و از یک ایدئولوژی اصلاح‌طلبانه و اندیشه ملی فراگیر پیروی می‌کند که مبتنی بر افکار و اندیشه‌های لیبرالیستی و قوم‌گرایی عربی و سوسیالیستی و نیز اسلامی است و در چارچوب اعتدال و میانه‌روی با واقعیت‌های کشور مصر هماهنگی دارد. بسیاری از احزاب جوان‌گرای جدیدی که پس از انقلاب اخیر در مصر تاسیس شده و تعدادشان به ۲۶ حزب می‌رسد با این جریان همراهند که می‌توان از احزابی چون اتحاد رستاخیز مصر، حزب عربی عدالت و مساوات، حزب اصلاح و توسعه، جریان ۱۱ فوریه، حزب آزادی، حزب قومی مصر، احزاب انقلابیون التحریر، جوانان طرفدار تغییر، ائتلاف ۲۵ ژانویه برای آزادی و توسعه، فرزندان مصر، فرزندان نیل، جوانان آزاد مصر، آینده دموکراتیک و بیداری، خودآگاهی مصر، جبهه قومی برای عدالت، پاسداران انقلاب، نهضت مصر، نهضت جوانان مصر و آینده جدید نام برد. این احزاب در کل طرفدار اقدامات عملی در مسیر اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی هستند. به علاوه خواستار اخذ تجارب بین‌المللی در همین حوزه‌ها و نیز کاربرد همزمان آنها در مسیر تولید سیاست‌های اصلاح‌طلبانه جدید در عرصه‌های مختلف کشور و ایجاد فضایی اصلاح‌طلبانه و جدیدند که درمجموع به شکل‌گیری و ساخت یک مصر ملی و مدرن منجر خواهد شد.

۲- دومین جریان اصلاح‌طلبانه در حیات سیاسی مصر جریان لیبرال‌هاست که اساسا از نخبگان حزبی به اضافه نخبگان روشنفکری تشکیل شده و افکار عمومی جامعه را در این مسیر هدایت می‌کند. اما احزاب وابسته به این جریان همچنان ضعیف هستند. یکی از برجسته‌ترین احزاب این جریان حزب الوفد است که می‌خواهد جانشین حزب ملی شود اما به خاطر ضعف کارآمدی و بالا گرفتن اختلافات داخلی‌اش ناچار شده است در سقف معینی باقی بماند. یعنی از لحاظ رشد اعضا یا نقش سیاسی در همان سطحی است که از پیش بوده و تاکنون نتوانسته است نقش خود را به گونه‌ای توسعه دهد که بتواند در بین مردم یا محافلی که از آن حمایت می‌کنند جا باز کند. جریان لیبرالی با اعلام شروع فعالیت ۱۰ حزب لیبرال که پس از انقلاب ۲۵ ژانویه به وسیله شخصیت‌های برجسته‌ای تاسیس شدند از جمله مهندس وایل نواره رییس شبکه لیبرال‌های عرب، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است و این جریان می‌رود تا به یکی از نیروهای اصلی در بین اکثر مصری‌ها یعنی طبقه متوسط شهری تبدیل شود. لازم به توضیح است که شخصیت مصری‌ها به یک جریان لیبرالی با رنگ و بوی خودی که با دین یا عربیت یا تاریخ این کشور تضادی نداشته باشد تمایل بیشتری دارد. نمونه‌های بارزی از این جریان را می‌توان در شخصیت‌هایی چون محمد عبده یافت که نوعی توازن بین لیبرالیسم و جریان‌های سیاسی موجود در کشور و نیز دین برقرار کرد و همین مساله موجب رشد جریان روشنفکران لیبرال طی دوره آینده شد. نواره تاسیس احزاب مبتنی بر «برنامه‌های لیبرالی» را نوعی بلوغ سیاسی می‌داند که از انقلاب ۲۵ ژانویه نشات گرفته است. با این همه باید گفت افزایش تعداد احزاب لیبرال جدید در مقایسه با سایر احزاب الزاما به معنای قدرت این جریان نیست.

یکی از مشکلات مهم این جریان، شکاف‌ها و نزاع‌های شخصی و حزبی و نیز فکری بین آنهاست. از این رو به صورت یک جریان واحد در مصر نشان داده نمی‌شود و به همین دلیل، فاقد کارایی لازم است. اما سیاست‌های اصلاح‌طلبانه‌ای را که این جریان طرح می‌کند مبتنی بر آزادی و دموکراسی به شیوه غربی است. به معنای دیگر یک نوع لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی که مقاومت برخی از جریان‌های سیاسی و فکری دیگر به‌خصوص جریان‌های اسلام‌گرا را تاکنون برانگیخته است.

قطعا هیچ جریان سیاسی قادر به کسب یک اکثریت قاطع در انتخابات آینده و تشکیل دولت به صورت انحصاری نخواهد بود. زیرا مصر به احتمال زیاد تا پنج سال آینده در حال گذار از یک مرحله انتقالی خواهد بود و این انتخابات میزان تاثیرگذاری نیروهای سیاسی در واقعیت‌های مصر را آشکار خواهد کرد

۳- جریان عربی و قومی است که ریشه در ایدئولوژی قوم‌گرایی عربی دارد و سیاست‌های اصلاح‌طلبانه را در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دنبال می‌کند. این جریان تا حدود زیادی متکی بر سیاست‌های مرجع سوسیالیستی و فلسفه قومیت‌گرایی عربی است. مشکل این جریان این است که در بین توده‌های مردم از یک ضعف کلی رنج می‌برد و اساسا مرکب از حزب ناصری و جریان‌های وابسته به آن است. جریان ناصری با از دست دادن رهبری کاریزماتیک خود در اختلافات درونی و بیرونی‌اش غرق شد. حتی رهبران این حزب نتوانستند شکاف‌های قدیمی آن را پر کنند. از این رو نسل حمد بن صباحی در حزب «الکرامه» که از این اختلافات دوری کرد، به نظر می‌رسد بتواند یکی از قوی‌ترین نمایندگان این جریان کلی ناصری در مصر باشد. جریان ناصری به‌کلی در حال افول است به نحوی که هم اکنون درباره آینده این جریان پرسش‌هایی جدی وجود دارد. سه حزب الناصری، الکرامه و الوفاق القومی از شاخه‌های فعال این جریان هستند. احمد حسن یکی از رهبران این جریان می‌گوید ناصریست‌ها به احزاب جدید احتیاجی ندارند. زیرا قدرت یک حزب در توان رویارویی آن است چون حکومت مانع تحقق خواسته‌های مردم می‌شود و این مساله‌ای است که تنها جریان ناصری می‌تواند با قدرت با آن برخورد کند.

۴- جریان چهارم جریان چپ است که از یک مرجعیت سوسیالیستی در تعیین سیاست‌ها پیروی می‌کند هرچند در حوزه اصلاحات سیاسی مدافع اندیشه دموکراسی است. مشکل این جریان نخبه‌گرایی آن است و به همین دلیل در بین توده‌های مردم جایگاه ضعیفی دارد. یکی از قوی‌ترین جریان‌های چپ که تحت نظر نخبگان اداره می‌شود مرکزی است که زیر نظر حلمی شعراوی اداره می‌شود یا «مرکزالجیل» که مرحوم احمد عبدالله رزه آن را در یک محله قدیمی تاسیس کرد و تا حدودی در بین مردم نفوذ دارد. با این حال در کل جریان چپ نیاز به یک تجدیدنظر اساسی و تدارک پوشش جدیدی برای فعالیت‌هایش دارد و به همین دلیل، دست‌کم تا سه سال آینده بر صحنه سیاسی مصر تاثیرگذار نخواهد بود.

۵- جریان پنجم جریان اسلامی است که در ۱۰ حزب تجسم پیدا کرده و اکثر آنها در اتکا به ابزارهای دموکراتیک برای ایجاد فضای گردش قدرت در کشور تردید دارند و به جای آن تفکر شورا را مطرح می‌کنند. احزابی مانند الوسط و مجتمع صلح و نهضت مصر و جریان اصلی جوانان اخوان‌المسلمین به رهبری عبدالمنعم ابوالفتوح که از جماعت اصلی اخوان جدا شد در این مجموعه جای می‌گیرند. همچنین احزابی مانند حزب تمدن که می‌رود جایگزین بسیاری از احزاب اسلامی و لیبرال شود؛ به‌خصوص اگر بتواند کرسی‌های بیشتری را در پارلمان آینده به دست آورد. این حزب همچنین می‌تواند نقشه راه احزاب اسلامی را با پذیرش بیشتر دموکراسی و گردش قدرت از نو تعریف کند و از گفتمان دعوت‌گونه‌ای که جماعت اخوان‌المسلمین و سلفی‌ها هنوز از آن دست برنداشته‌اند، فاصله بگیرد.

سلفی‌ها در راهند

در یک لحظه تاریخی، سلفی‌ها ابتکار عمل را از اخوانی‌ها گرفتند؛ به‌خصوص با تاسیس احزابی چون «النور» و «الاصلاح» که پس از حوادث ۲۸ ژانویه گذشته اتفاق افتاد. روزگاری خطیبان جمعه طرفدار جریان سلفی خروج بر حکومت را رد می‌کردند اما بعدها دیدیم که اینها در بسیاری از کمیته‌های مردمی روستاها نقش پیدا کردند. در حال حاضر جوانان سلفی و برخی از رهبران‌شان برعکس آنچه ریش‌سفیدان این جریان در گذشته می‌گفتند احزاب سیاسی زاییده تفکرات غربی است، به سمت تشکیل احزاب سیاسی روی آورده‌اند. سلفی‌ها هم‌اکنون نفوذ خود را در چندین استان بالا برده‌اند و چهره‌هایی چون مهندس طارق بیطار در استان کفرالشیخ یکی از آنهاست که در دوره پیشین انتخابات مجلس از اخوان‌المسلمین پشتیبانی کرد. به نظر می‌رسد، حجم جریان سلفی از همه جریان‌های دیگر سیاسی مصر بیشتر باشد؛ به‌خصوص به دلیل پراکندگی آنها در استان‌ها و شهرها و روستاها. از این رو در آینده این جریان نقش مهمی در معادلات سیاسی مصر خواهد داشت.

در میان این گروه‌های مذهبی، گروه جماعت اسلامی جایگاه برجسته‌ای دارد اما انتظار نمی‌رود که بتواند پیروزی بزرگی را در انتخابات آتی به دست آورد. با این حال ناجح ابراهیم و کرم زهدی از رهبران این جریان حرف‌های معقولی می‌زنند ولی تعدادی از اعضای این گروه هنوز همان حرف‌های متعصبانه گذشته را تکرار می‌کنند که موجب نگرانی برخی شده است. این گروه به زمان بیشتری نیاز دارد تا بتواند تاثیرگذار باشد زیرا طی سال‌های گذشته زیر ضربات شدید امنیتی قرار داشته است و از همین‌رو به دلیل مقاومتی که در دوران سادات و سپس مبارک نشان داده هم اکنون مورد توجه رسانه‌ها قرار دارد.

این اواخر در مصر نگرانی‌های دیگری نیز بروز کرده که مربوط به قبطی‌ها و روشنفکران نخبه‌گرایی است که تعدادی حزب سیاسی جدید تاسیس کرده‌اند. از جمله حزب آزاد ملی و اتحاد مصر و جوانان انقلاب و نهر جدید و مصری‌های آزاد به اضافه ۱۰ حزب دیگر که همه جدید هستند و نیز ۲۴ حزب که از دوران پیش از انقلاب فعالیت خود را شروع کرده و خصوصیت مدنی دارند. همه این احزاب در بین دو مقوله لیبرالیسم و عدالت اجتماعی در نوسان هستند. برخی از آنها رویکردی چپ‌گرایانه دارند و می‌خواهند مانع دست یافتن گروه‌های اسلام‌گرا به قدرت شوند؛ این در حالی است که گروه‌های وابسته به اخوان‌المسلمین یا سلفی‌ها در روستاها مشغول فعالیت هستند و از متن واقعیت‌های جامعه حرکت می‌کنند.

انتظار می‌رود با نزدیک شدن به زمان انتخابات احزاب جدیدی نیز ظهور کنند و موازنه‌های جدیدی از طریق شکل‌گیری ائتلاف‌ها به وجود آید که در نهایت نوعی قطب‌بندی کلی بین دو اردوگاه اسلام سنتی و مدرنیسم جدید است. این امر در واقع ادامه همان نزاع قدیمی جامعه مصر است که از ابتدای تاسیس دولت مدرن در این کشور تاکنون منشا بسیاری از افکار و اعمال جریان‌های سیاسی بوده است. این چالش در رفراندوم مربوط به اصلاحات قانون اساسی نیز بروز کرد و به‌عنوان خطری برای دموکراسی تازه متولد شده مصر نگاه‌ها را به خود معطوف داشت. باید توافقی جمعی برای مقابله با این خطر وجود داشته باشد زیرا هویت مشترک همه مصری‌ها را تهدید می‌کند. با همه اینها باید گفت نتایج انتخابات آینده نظام حزبی سابق در مصر را دگرگون خواهد کرد و با تعیین سهم هر حزب در داخل پارلمان اصلاحات جدیدی در عرصه فعالیت احزاب صورت خواهد گرفت.

در این میان هنوز تکلیف برخی از جریان‌های سیاسی درگیر در انقلاب ۲۵ ژانویه مثل جنبش «۶ آوریل» یا «همه خالد سعید هستیم» و یا «جوانان انقلاب» و غیره روشن نیست. روشن نیست که مردم آیا به این احزاب روی خوش نشان خواهند داد یا ترجیح می‌دهند به جای آن به سمت احزاب قدیمی و باسابقه گرایش پیدا کنند.

حزب ملی سابق نیز که در گذشته حکومت می‌کرد همچنان در بین این نیروهای سیاسی دسته‌بندی می‌شود. هرچند این حزب به معنای واقعی و مرسوم حزب نبود و تنها بازوی حاکمیت یا ابزار سیاسی آن تلقی می‌شد اما برخی از رهبران این حزب به‌خصوص بازرگانان هنوز از بقای آن حتی تحت همان نام قدیمی یا با تغییر نام دفاع می‌کنند؛ به‌ویژه آنکه اکثر اینها نمایندگان قبایل و خانواده‌ها و عشیره‌های بزرگ در استان‌های مختلف مصر هستند.

منبع: الحیات

دریچه

گسترش اعتراضات در سراسر آمریکا

■ شرق: اعتراضات ضدسرمایه‌داری در حال گسترش به سایر نقاط ایالات متحده آمریکاست. بحران مالی فراگیری که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا را دچار رکود بی‌سابقه‌ای کرده است که برخی از کارشناسان آن را با رکود اقتصادی سال ۱۹۳۶ مقایسه می‌کنند؛ رکودی که به جنگ جهانی دوم منتهی شد. در جدیدترین تحولات مربوط به جنبش‌های ضدسرمایه‌داری در آمریکا، جنبش اشغال شهر «دی موین» در ایالت آیووای آمریکا قصد دارد برای نخستین تظاهرات اعتراضی، خود را به گردهمایی‌های انتخاباتی در این ایالت بکشاند. به گزارش ایسنا، جنبش «اشغال شهر دی موین»، یکی از جنبش‌های ایجادشده به دنبال اعتراضات ضدسرمایه‌داری در آمریکا، طرح‌هایی را درخصوص فعالیت‌های اعتراضی در گردهمایی‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی مربوط به انتخابات سوم ژانویه شوراهای ناحیه‌ای ایالت آیووا مورد پذیرش قرار داده و اعلام کرده است تظاهرات‌کنندگان جنبش «اشغال دی موین» گفته‌اند همه ابتکار عمل‌های آنها غیرخشونت‌آمیز بوده و در فرآیند انتخابات اخلال ایجاد نخواهند کرد. با وجود این آنها اعلام کردند خود را برای دستگیر شدن در ابعاد وسیع توسط نیروهای امنیتی آماده می‌کنند. سازمان‌دهندگان اعتراضات قصد دارند پیش از تظاهرات خود تمریناتی انجام دهند تا برای مواجهه با دستگیر شدن توسط نیروهای امنیتی آماده باشند. جنبش «اشغال دی موین» به دنبال جذب معترضان سراسر آمریکا به تظاهرات خود در دفاتر فعالیت‌های انتخاباتی کاندیداهای ایالت آیووا پیش از برگزاری انتخابات است. نزدیک به ۲۰ نفر از معترضان ایالت آیووا در نزدیکی میدان استیورات واقع در شرق ساختمان مجلس نمایندگان ایالت آیووا در شهر دی موین اردو زده‌اند و روز جمعه طی نشستی بر سر فعالیت‌های اعتراضی آتی خود همزمان با انتخابات در این ایالت توافق کردند. این جنبش با صدور بیانیه‌ای اعلام داشت: جنبش «اشغال دی موین» در همبستگی با جنبش «اشغال وال‌استریت» از مردم جهان می‌خواهد وارد عمل شوند. ما با اشتیاق آغاز نخستین جنبش «اشغال گردهمایی‌های انتخاباتی» در آمریکا را اعلام می‌کنیم. زمستان آینده مقرهای انتخابات ریاست‌جمهوری در شهر دی موین ایالت آیووا و رخدادهای سیاسی دیگر در سراسر این ایالت اشغال خواهند شد. این جنبش تاریخ ۲۶ دسامبر را به‌عنوان روز سفر معترضان دیگر ایالت‌ها به این ایالت تعیین کرده است. آنها اعلام داشته‌اند در تاریخ ۲۷ دسامبر «گردهمایی انتخاباتی مردم» را که طی آن تظاهرات‌کنندگان به اشغال دفاتر انتخاباتی کاندیداهای مورد تمایل خود می‌پردازند، برگزار می‌کنند. همچنین آنها یک تمرین نافرمانی مدنی غیرخشونت‌آمیز را نیز قرار است به اجرا درآورند. تاکنون چندین نفر برای حضور در کمیته برنامه‌ریزی این تمرین‌ها داوطلب شده‌اند. اعتراضات در مقرهای کمپین انتخاباتی از ۲۸ تا ۳۰دسامبر برنامه‌ریزی شده است. قرار است فعالانی که واهمه‌ای از دستگیر شدن ندارند در داخل دفاتر تحصن کنند و کسانی که نمی‌خواهند دستگیر شوند در پیاده‌روهای اطراف دفاتر به اعتراض بپردازند. از سوی دیگر مایکل بلومبرگ، شهردار شهر نیویورک در اظهاراتی گفت جنبش «اشغال وال‌استریت» در این شهر همچون اعتراضات شهر اوکلند در ایالت کالیفرنیا به خشونت کشیده نخواهد شد. او در مصاحبه‌ای با یک شبکه رادیویی در آمریکا گفت: قرار نیست ما در نیویورک اتفاقاتی که در شهر اوکلند رخ داد را ببینیم. هرکسی که فکر می‌کند ما هیچ کاری انجام نمی‌دهیم و هرکسی که فکر می‌کند ما رفتارهای کنترل‌نشده را تحمل خواهیم کرد، اشتباه می‌کند. این در حالی است که روز پنجشنبه در تظاهرات معترضان در شهر اوکلند بیش از صد نفر دستگیر شدند که هشت نفر از آنها در اثر ضرب و شتم به شدت مجروح شده بودند. خشونت‌های روز پنجشنبه در شهر اوکلند که طی آن چندین فروشگاه به آتش کشیده شد، در حالی رخ داد که یک هفته پیش از آن پلیس اوکلند یک نظامی کهنه‌کار آمریکایی را که در اعتراضات شرکت داشت از ناحیه جمجمه به شدت مجروح کرد و مردم این شهر همچنان به خاطر این اتفاق عصبانی هستند.

اطلاعیه
سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران
جمهوری اسلامی ایران
سازمان ملی استاندارد ایران
نظر به اینکه فرآورده های لبنی در نود و یکمین اجلاس شورای عالی استاندارد مورخ ۷۳/۹/۸ مشمول مقررات استاندارد اجباری قرار گرفته و استاندارد ملی ایران به شماره ۱۳۴۱۸ تحت عنوان شیر و فرآورده های آن - پنیر اولیه - ویژگی ها و روش آزمون در هزار و هیجدهمین اجلاس کمیته ملی مورخ ۸۹/۱۲/۹ به تصویب رسیده که مراتب جهت اطلاع عموم و توجه به الزامات قانونی آگهی می گردد.
الزامات قانونی:
الف: تاریخ شروع اجرای اجباری استاندارد مذکور از ۹۰/۱۱/۱ می باشد.
ب: نشانه گذاری فرآورده هایی که استاندارد آنها اجباری شده با علامت استاندارد الزامی است و عرضه و فروش این فرآورده ها بدون علامت استاندارد ایران ممنوع می باشد.
پ: علامت گذاری فرآورده مشمول استاندارد اجباری مستلزم دریافت پروانه کاربرد علامت استاندارد می باشد.
ت: اعطای پروانه کاربرد علامت استاندارد به واحدهای تولیدی منوط به تامین شرایط عمومی تولید و انطباق کیفیت فرآورده با استاندارد مربوط می باشد.
ث: رعایت کلیه مقررات استانداردهای اجباری و سایر قوانین و مقررات جاری در مورد کالاهای وارداتی الزامی خواهد بود.
کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی ذیربط می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در مرکز به سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و در استانها به ادارات کل استاندارد و تحقیقات صنعتی مراجعه نمایند.
اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل
سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران